

## یهودیان و یهودیگری در آثار مسعودی

### ۱

آثار مورخین اسلامی از لحاظ منعکس ساختن زندگی اجتماعی، عقاید و احوال اقوام غیر مسلمان و پیروان ملل و نحل مختلف مسلمان - اگرچه عموماً و غالباً آلوده با اغراض، تحریفات و دروغزنیهای فراوان است - مع الوصف از اساسی ترین منابع تحقیق در جهت تدوین تاریخ اجتماعی و فرهنگی مردم سرزمینهای مفتوحه توسط مهاجمین عرب مسلمان به شمار می آید. چنین آثاری با همه اهمیت که از آن برخوردارند، در چارچوب تک نگاریهای مربوط به عقاید و مراسم ملل و اقوام مختلف و معین مورد پژوهش جدی قرار نگرفته اند و این خود هر تلاشی را برای تدارک و تدوین تاریخ عمومی علمی آن اقوام با نقیصه و کمبود جدی مواجه ساخته است.

آثار ابوالحسن علی بن حسین مسعودی به لحاظ اشمال بر موارد متنوعی از اطلاعات مردم شناختی، قوم شناختی و علم سلوک و عقاید و همچنین از نظر انصاف در ثبت و ضبط و توضیح، از میان آثاری از آن نوع که گفتیم یکی از درخشان ترین منابع تاریخی است. توجه عالمانه مسعودی در هر دو گروه آثار تاریخی و کلامی اش نسبت به تاریخ و میراث معنوی ملل قدیم و از آن جمله امعان نظر پر وسواس او نسبت به ملل و اقوام قدیم عالم و به خصوص یهودیان و تاریخ دینی، قومی، سیاسی و فکری آنان آثار او را از منظر تاریخ عقاید و هم از لحاظ بازشناسی منابع دست اولی که مورد استفاده قرار داده است به صورت یکی از مهمترین منابع تحقیق در آورده است.

تأمل تاریخی و پژوهش محققانه جغرافیایی و داده های فراهم آمده از تجارب سفر و مؤانست و مجالست با ارباب دیانات و اصحاب مقامات، آثار مسعودی را قدر و غنایی گران

بخشیده است. جز اینها، تسلط او در کلام که از ویژگیهای او بوده است سبب گردیده تا روال برخورد او را با مسائلی از آن گونه که گفتم به نحوی اساسی از وجه رویکرد دیگر مورخین مسلمان متفاوت سازد و به آن صبغه ای علمی ببخشد. مسعودی خود ضمن توضیح از یکی از آثارش یعنی اخبار الزمان به گستره زمینه هایی که به تحقیق در آنها پرداخته اشاره می کند و می نویسد:

ما کتاب اخبار الزمان را تألیف کردیم و در آن جا از کیفیت زمین و شهرها و شگفتیهای آن و دریاها و عمق آن و کوهها و رودها و معادن جالب آن و اقسام مصیبتها و اخبار بندرها و جزایر و دریاها و دریاچه ها و اخبار بناهای مهم و جاهای متبرک و ذکر آغاز خلق و اصل نژاد و اختلاف وطنها... و اختلاف کسانی از هندوان و اقسام ملحدان در آغاز تاریخ و گفتار اهل شرایع و سخنها که در کتب منزل اهل دیانتها هست و از پی آن از اخبار شاهان پیشینه و ملل سلف و قرون قدیم طوایف فنا شده که نژادها و طبقات دینهای مختلف داشته اند، از شاهان و فرعونان قدیم و خسروان و یونانیان و سخنان حکمت آمیزشان که در جهان به جاست و گفتار فیلسوفان و اخبار ملوک و سرگذشت نژادها... نکته ها گفتیم.<sup>۱</sup>

چنان که به اشاره گفتم، مسعودی به اقتضای تعلق خاطری که به علم کلام و علوم عقلی داشت، جز آنچه که در اخبار الزمان به آنها پرداخته است، در دیگر آثار خود، از اقسام علوم و اخبار ملل کهن به تفصیل سخن گفته و کتابها در اقسام مقالاتها و انواع دیانتها و اصول فتوی و قوانین و احکام و قیاس و اجتهاد، رای و استحسان و ناسخ و منسوخ و حقیقت اجماع در زمینه سیاست مدن و تقسیم طبقات مردم تألیف کرده است.<sup>۲</sup> از میان همه کسانی که به نحوی به اهمیت آثار مسعودی از این باب اشاره کرده اند هیچ یک چون ابن خلدون سخن به کفایت نگفته است. او پس از آن که مسعودی را با عنوان «امام المورخین» یاد می کند می نویسد:

اما ذکر کردن کیفیات عمومی سرزمینها و نژادها و اعصار برای مورخ به منزله اساسی ست که بیشتر مقاصد خود را بر آنها مبتنی می کند و تاریخ خود را به وسیله آنها واضح و روشن می سازد. و مورخانی بوده اند که این مطالب را در تألیفات خود جداگانه و مستقل آورده اند، چنان که مسعودی در کتاب مروج الذهب این شیوه را برگزیده است و در آن کتاب احوال ملتها و سرزمینها را در روزگار خویش یعنی سال سیصد و سی، خواه نواحی مغرب و خواه مشرق شرح داده است و مذاهب و عادات آنان را یاد کرده... از این رو آثار او به منزله هدفی برای مورخان است که از آن پیروی می کنند.<sup>۳</sup>

## ۲

ابوالحسن علی بن الحسین بن علی بن عبدالله مسعودی که به لحاظ نسبتش به عبدالله بن مسعود صحابی مشهور پیامبر اسلام چنان نامیده می‌شود<sup>۱</sup> در فاصله سالهای ۲۸۰ تا ۲۸۵ هجری قمری در بغداد یا بنا بر تصریح خود او در بابل متولد شد. او در بیان این مطلب می‌نویسد:

میانہ تر از اقلیمها اقلیمی ست که ما در آن تولد یافته ایم. گرچه روزگاران میان ما و آن فاصله افکنده و ما را از آن جا دور کرده و دلمان را مشتاق آن کرده است که وطن و مسقط الرأس ما بوده است. مقصودم بابل است.<sup>۲</sup>

او ده سال آخر از عمرش را در سوریه و مصر گذراند و در سال ۳۴۶ در حالی که از معتقدین به کلام معتزلی بود در قاهره درگذشت. درک عقاید و مقام مسعودی موقوف به بررسی دوره ای است که او در آن بار آمد. عصر مسعودی نمایانگر وضع و موقع در تاریخ اسلام است. علی رغم گسستگیهای سیاسی و قیامهای داخلی، دو قرن سوم و چهارم هجری از اهمیت فرهنگی درخشان برخوردار بود. علاوه بر دستاوردهای فکری، بسط و گسترش اقتصادی به خصوص بازرگانی یکی از جنبه های مهم حیات اجتماعی جامعه اسلامی در روزگار مسعودی است.<sup>۳</sup> تجارت مسلمانان از طریق وسایل ارتباطی متعدد با جهان خارج از قلمرو امپراطوری به تدارک حجم عظیمی از اطلاعات درباره اقوام و مردم غیر مسلمان انجامید و بدین ترتیب امکانات و فرصتهای مطلوبی را برای مسافرت در اختیار مردمی که مشتاق آگاهیها و اطلاعات مبسوطی درباره گذشته و حال ادیان و مذاهب، سلوک و ادب و سیاسی و فرهنگ امم و ملل مختلف بودند قرار داد. اسباب تأسف است که ما هیچ گونه اطلاعی درباره جوانی و آموزشهای اولیه او نداریم. تنها از پاره ای اشارات او می‌توان به حدس دریافت که او تعالیم دینی، فقهی و ادبی خود را از استادان طراز اولی چون طبری مورخ و ابوالحسن اشعری متکلم دریافت کرده است.

وی یکی از بزرگترین سیاحان مسلمان این ایام شکفتگی و رونق بود. سفرهای او زمانی از اهمیت ویژه ای برخوردار می‌شود که آن را با سفرهای بسیاری سیاحان مسلمان دیگر همعصر او مقایسه کنیم.<sup>۴</sup> او پس از گذراندن سالهای اولیه دانش اندوزی، در ایام هارون و شرایط مناسب دوران مأمون به سفر در اقطار عالم آغاز کرد. اهمیت روش تجربی، توصیفی، و تاریخی مسعودی در فراهم آوردن اطلاعات که در آثار او تبویب و تدوین شده و بخش مهمی از آنها محصول سفرهای جهانی اوست تا بدان حد است که گیب (Gibb) در توصیف کلی روش او تصریح می‌کند که:

از آثار مسعودی روشن می گردد که با او نوعی عنصر جدید روشنفکرانه وارد تاریخ نگاری اسلامی شده، عنصری که می توان آن را علم به خاطر علم نامید.<sup>۷</sup>

جورج سارتن تصریح می کند که:

مروج الذهب به خاطر جامعیتی که نویسنده آن از آن برخوردار است برجسته و درخشان است. مسعودی از هیچ مرجعی غفلت نکرده است و حوادثی چون زلزله هولناک سال ۳۳۴ در مصر و شام و مغرب و خصوصیات آب بحرالمت و معادن و زمین شناسی را با دقت مورد گفتگو قرار داده است.<sup>۸</sup>

قدیمترین تاریخ مربوط به سفرهای مسعودی به سال ۳۰۳ باز می گردد که طی آن به سرزمینهای ایران و هند سفر کرد. او در این سال از حضورش در استخر فارس گزارش می دهد. جز این وی در این سفر از کرمان، اهواز، سیستان، خوزستان، خراسان، و قومس دیدن می کند. از میان این مناطق او توجه ویژه ای به بلخ، نیشابور، ری، اصفهان، و قم مبذول می دارد.

مسعودی بدان گونه که زندگی نویسان او از جمله کلیمان هوار (Clement Hurat) تأکید می کنند در جریان سیاحت خویش به مولتان و منصوره رفت و پس آن گاه از راه شبه جزیره دکن راهی سیلان شد. در آن جا با کشتی دریای چین و دریای سرخ را درنوردید و به ماداگاسکار رسید و از راه عمان به عربستان برگشت. او بر سر راه سفرهایش از دریای خزر، سوریه، و فلسطین دیدن کرد و مجذوب آنها شد. در سال ۹۱۶ میلادی در تیر یاس و در سال ۹۴۳ میلادی در انطاکیه و کلیکیه و سال بعد در دمشق بود. مسعودی بخشی از ایام آخر عمرش را در مصر و بخشی دیگر را در سوریه گذرانید. در سال ۹۴۷ میلادی و همچنین در سال ۹۵۵ در فسطاط (قاهره باستانی) بود. هوار به این نکته تصریح می کند که مسعودی ذهنی وقاد و کنجکاو داشت. او مطالعات و تحقیقات خود را از محدوده پژوهشهای اسلامی فراتر برد و تاریخ ایرانیان، هندیان، رومیان و سنن و معتقدات یهودیان، مسیحیان و مشرکین و اصحاب بدعت را مورد بحث و بررسی قرار داده است.<sup>۹</sup> لازم به یادآوری است که وی طی سفرهایش اشتیاق و تمایل شدیدی به دیدار از علما و دانشمندان و جوامع غیر مسلمان مبذول کرده است.

مسعودی در استخر و نیشابور از آتشکده های قدیم مغان بازدید به عمل آورد<sup>۱۰</sup> و با تعدادی از زرتشتیان و از جمله تنی چند از موبدان و هیربدان منطقه دیدن کرده و از همانهاست که اطلاعاتی درباره دین زرتشت پایه گذار آن به دست آورده است.<sup>۱۱</sup> او به همین نسبت اشتیاق و پشتکار محققانه ای درباره واریسی کتبی که در ملکیت یکی از رجال ایرانی

قرار داشته، به منظور آشنایی با تاریخ ایران از خود نشان داده است.<sup>۱۲</sup> مسعودی بخشها و گفتگوهای را که با پیروان ادیان و عقاید مختلف که در آن بخشهای جهان اسلام می زیستند داشته است در آثار خود ثبت و ضبط کرده است. از جمله آن کسان زردشتیان، مزدکیان، مانویان و کسانی از ثنوی مسلکان و خرمدینان و بدعتگزاران اند.

و ما در کتاب المقالات فی اصول دینات... از مذهب خرمیان کودکی و کودشاهی... و از خرمیانی که در نواحی اصفهان و برج و کرج ابودلف... هستند سخن آورده و اختلافاتی را که میان آنها هست و هم اختلافات این دو فرقه را با فرقه سرخ پوشان و مزدکیه و ماهانیه و غیره بر شمرده و از مناظراتی که در این جاها با آنها داشته ایم سخن آورده ایم و هم... درباره این فرقه و دیگر ثنویان و همه فرقه های مختلف طرفدار قدم... سخن آورده ایم.<sup>۱۳</sup>

تماس مستقیم مسعودی با منابع و دانشمندان ادیان گوناگون و از جمله ایرانیان از وجوه درخشان آثار اوست. او در جایی این ویژگی خود را در تدوین آثارش به روشنی تصریح می کند و می نویسد:

به سال سیصد و سوم در شهر استخر پارس به نزد یکی از بزرگزادگان ایرانی کتابی بزرگ دیدم که از علوم و اخبار ملوک و بناها و تدبیرهای ایرانیان مطالب فراوان داشت که چیزی از آن را در کتب دیگر چون خدای نامه و آیین نامه و غیره ندیده بودم و... تاریخ کتاب چنان بود که در نیمه جمادی الاخر به سال یکصد و سیزدهم از روی اسناد خزائن ملوک ایران نوشته شده و برای هشام عبدالملک از پاریس به عربی آمده بود... و ما شمه ای از مطالب [آن کتاب] را در جزء هفتم از کتاب مروج الذهب آورده ایم... و دیگر اخبار... ایرانیان [را] از علمای ایشان چون موبدان و هیربدان و دیگر مطلعان تاریخشان گرفته ایم و از کتابهایی که به نزد ایشان درست و مشهور است نقل کرده ایم. همه این مطالب در جزء هفتم هست.<sup>۱۴</sup>

### ۳

چنان که به اشاره گفتم، از ویژگیهای تاریخنگاری مسعودی اقبال و اشتیاق او به مذاهب و فرقه غیر مسلمان و جستجو از تاریخ، عقاید و مناسک گوناگون آنهاست. از جمله این اشتیاقات پرداختن به تاریخ و عقاید و نحل و کتب مقدس یهودیان و به طور کلی میراث فرهنگی آنهاست. با جرأت می توان گفت که در میان همه آثار و تواریخ و کتب ملل و نحل که در دورانهای اولیه اسلامی نوشته شده و بازمانده است دو اثر عمده مسعودی یعنی مروج الذهب... و التنبیه والاشراف در پرداختن به این موضوع خاص مهمترین و غنی ترین آنهاست. مسعودی در هر یک از این دو اثر علاقه خالصانه ای به مسائل مربوط به یهود نشان

می دهد.

گزارش مسعودی از احوال و اقوال و ادبیات دینی یهود سه فصل کامل از مروج الذهب را به خود اختصاص داده است که ضمن آن ادوار و وقایع ایام مندرج در عهد عتیق، از آغاز آفرینش تا روزگار ابراهیم، از ایام کاهنان و تاریخ بنی اسرائیل تا مرگ سلیمان و از عهد رخبعم بن سلیمان بن داود تا زمان مسیح را فرا می گیرد. علاوه بر این فصول، نقل ماجرای محاجه یک پزشک یهودی با حکیمی قبطی در دربار احمد بن طولون حاکم مصر در موضعی دیگر از مروج حاوی اطلاعات دین شناسی جالبی است.<sup>۱۵</sup> و این همه سوای اطلاعات کاملاً مستقل و منحصر به فردی است که در التنبیه و الاشراف ارائه شده است و یا جای جای در مروج الذهب به مناسبتی آمده است.

مسعودی طی سفرهای خود، پی جویانه بر آن بود تا به نمایندگانی از جریانهای مختلف فکری این قوم دسترسی بیابد و از امکان مقدس یهود دیدن کند و با کتب و ادبیات دینی آنها آشنایی بیابد. ضمن همین سفرهاست که او با پاره ای از علما و دانشمندان دینی یهود دیدار و با آنها به مناظره پرداخته است و چنان که از اشارات او بر می آید با آنها روابط صمیمانه و همدلانه ای برقرار کرده است. به اقتضای همین خصیصه است که او آثار مورخین مقدم بر خود را به لحاظ آن که برخوردهایشان با اقوام غیر مسلمان و از جمله با یهودیان ستیزه گرایانه و خصمانه بوده است معتبر نمی داند.<sup>۱۶</sup>

علاقه مندی به آگاهی از عقاید دینی و فرقی مختلف یهودی به خصوص در گزارش از خزرها به نحو برجسته ای متجلی است. اختصاص قطعه ای مستقل در فصل هفدهم از مروج، قدیمی ترین گزارش عربی از یهودیگری خزرهاست. او در توضیح از این مطلب به عنوان نمونه تصریح می کند:

شاه و اطرافیان وی و قوم خزر بر کیش یهودند که شاه خزر به دوران هارون الرشید یهودی شده و مردم بسیار از یهودان از دیگر شهرهای اسلام و هم از دیار روم بدو پیوسته اند. زیرا پادشاه روم که اکنون یعنی به سال سیصد و سی و دوم ارمئوس است همه یهودان مملکت خود را به اجبار بدین مسیح کشانید.

بدین جهت بسیار کس از یهودان از دیار روم به دیار شاه خزر... فراری شدند و یهودان را با

شاه خزر حکایتی است که اکنون محل یادآوری آن نیست و در کتابهای سابق گفته ایم.<sup>۱۷</sup>

مسعودی به هنگام سفر در طبریه با علمایی از یهود ملاقات کرده که از آن میان به خصوص از ابوکثیر یحیی بن زکریا کاتب طبریانی از فرقه اشعث که او را یکی از خبرگان تورات می شناساند و در فلسطین و اردن با او درباره مسائلی چون قانون و بداء

گفتگو کرده است و با شاگرد ابوکثیر یعنی سعید بن یعقوب الفیونی که همان فیلسوف بزرگ یهودی یعنی سعید یا گائون دیدار کرده است. جز این او در نابلس نیز با فرقه‌هایی از یهود و از جمله با پیروان فرقه سامری دیدار داشته و بنا بر تصریح خود او اطلاعاتی را از آنها درباره عقایدشان و تورات مورد استفاده آنها اخذ کرده است. او در رقه نیز با علمای دیگری از یهود دیدار کرده است که از جمله اختصاصاً از یهودا ابن یوسف معروف به ابن ابی‌الشنا که از پیروان ثابت بن قره حرّانی، فیلسوف و پزشک صائبی و همچنین از فردی به نام سعد بن علی معروف به اشکمیا نام می‌برد و به مباحثاتش با این دو تن اشاره می‌کند: میان ما و ابوکثیر در فلسطین و اردن درباره نسخ شرایع و فرق آن با اعبدا [کذا] و درباره دیگر مسائل مناظرات بود. و هم با یهود ابن یوسف معروف به ابن ابی‌الشنا که در فلسفه و طب شاگرد ثابت بن قره صابی بود در رقه... و نیز با سعد ابن علی معروف به اشکمیا... و با دیگر متکلمان یهود که در بغداد دیدمشان، چون یعقوب ابن مردویه و یوسف بن فیوما مناظره داشتیم. آخرین کس از ایشان که... پیش ما آمد ابراهیم یهودی شوشتری بود که از همه متاخران یهود در کار بحث و نظر ماهرتر بود.

ثمره مطلوب این دیدارها علاوه بر کسب اطلاعات وسیع درباره فرق یهودی و مضمون اعتقادی آنان موجب آشنایی مستقیم با میراث مکتوب یهودیگری و چندگونگی متن عهد عتیق یا متون مقدس یهودی بود. شرح چگونگی نزول تورات و تعداد صحف آن به مثابه مدخلی قرار گرفت که در تعقیب آن انواع روایات مختلف از تورات را مورد رسیدگی قرار دهد. او در توصیف از جریان وحی توضیح می‌دهد که:

و خدا عز و جل ده صحیفه به موسی نازل کرد که مجموع صحف منزل یک صد صحیفه کامل شد. آن گاه تورات را به زبان عبری نازل کرد که امر و نهی و تحلیل و تحریم و سنن و احکام داشت و تورات در پنج سفر بود که سفر را به معنی صحیفه آورده بود.<sup>۱۱</sup>

مسعودی علاوه بر روایتهای مختلف عهد عتیق به زبان عربی، به روایت معروف به ترجمه که توسط یهودیان معاصر نیز مورد استفاده قرار دارد توجه می‌کند. التفات او به زبان ترجمه به دنبال تأملی عالمانه در زمینه زبان شناسی وسعت آگاهی او را در قوم شناسی و جغرافیای زبان شناختی نیز تصریح می‌کند. مسعودی در تعقیب بحث از اقوام بشری و توزیع جغرافیایی آنان به زبان سریانی اشاره می‌کند و می‌نویسد:

زبان اقوام سریانی چنان که درباره پارسیان بگفتم تفاوت کمی دارد. عربی نیز از آن جمله است و از پس عبری، عربی از همه زبانها به سریانی نزدیکتر است و تفاوت این دو زبان زیاد نیست. گویند نخستین کسی که به عبری سخن گفت ابراهیم خلیل علیه السلام بود. از آن پس که از

دهکده معروف به اورکشد از دیار کوئی از ولایت خنیرث که از اقلیم بابل بود بیرون شد و به حران بین النهرین رفت،... و این را عبری گفتند از این جهت که این زبان هنگام عبور ابراهیم پیدا شده بود و آن را به عبر منسوب کردند. تورات به این زبان نازل شده اما اسرائیلیان عراق یک زبان سریانی دارند که به نام ترجموم معروف است و تورات را از عبری قدیم به این زبان ترجمه می کنند که به نظرشان آسانتر و روشتر است، و عبرانی مغلق است و بسیاری اسرائیلیان از فهم آن عاجزند.<sup>۲۱</sup>

مسعودی پیش از پرداختن به ادبیات دینی یهود بر مبنای گفتگوهای مستقیمی که با نمایندگان فرقه های مختلف یهود داشته است به طبقه بندی آن فرق می پردازد و مآلاً چهار گروه مشخص دینی مرکب از سامریان، ربانیون، عنانیان، و قرائیم را مورد بحث و گفتگو قرار می دهد. هر چند نحوه تلقی مسعودی از سامری ها در مواردی با گزارش یعقوبی مطابق است ولی توصیف مسعودی متضمن جزئیات جالب اضافی است. مسعودی فرقه سامری را بدین شرح توصیف می کند:

در ایام [اجام] میان یهودان در کار دین اختلاف افتاد و سامریان از جماعت جدا شدند و پیمبری داود و پیمبران پس از او را انکار کردند و گفتند پس از موسی پیمبری نبود و سران خویش را از اعقاب هارون ابن عمران فرار دادند. هم اکنون که سال سیصد و سی و دوم است سامریان در فلسطین و اردن در دهات متفرق چون فرقه معروف به عارا که میان رمله و طبریه است و دیگر دهات شهر نابلس به سر می برند... سامریان نمازها دارند که به وقت معین گزارند و بوقهای نقره دارند که به وقت نماز در آن دمند. همانها هستند که به تعبیر قرآن لامسباس یعنی دست مزین گویند... اینان دو فرقه مخالفت اند که با دیگر یهودان نیز مخالفت دارند. یکی از دو فرقه کوسان و دیگری دورسان نام دارد. یک فرقه به قدم عالم و مطالب دیگر معتقد است.<sup>۲۲</sup>

مسعودی در بحث از تورات مورد اعتماد سامریان می نویسد:

به پندار سامریان توراتی که به دست یهود است تورات موسی بن عمران علیه السلام نیست و تورات موسی تحریف شده و تغییر یافته است و عوض شده و توراتی که اکنون به دست یهود است به وسیله این پادشاه [زربابیل بن سلسال] به وجود آمده که آن را از حافظه مردم بنی اسرائیل فراهم آورده است و تورات صحیح همان است که سامریان دارند.<sup>۲۳</sup>

در باره دیگر فرق یهودی ذکر این حقیقت ضروری است که مسعودی برای نمونه نخستین مورخ اسلامی است که از فرقه قرائیم سخن می گوید، اگرچه پاره ای از منابع اسلامی، قرائیم را همان فرقه عنانیه یعنی پیروان عنان ابن داود بغدادی می دانند ولی مسعودی بین آن دو تفاوت قائل است. او فرقه نخست را گروهی معرفی می کند که



به وحدانیت و عدالت خداوند تاکید می کنند و به این اعتبار آنان را مشابهان یهودی معتزله معرفی می کند. مسعودی علاوه بر سامری ها، عنانیه و قرائیم و شاخه های فرعی آنها، اطلاعاتی را درباره ربانیان فرقه یهودی دیگر ارائه می دهد و آنان را اشمعث می خواند.<sup>۲۳</sup>

گزارش مسعودی از ادبیات دینی یهود حاکی از این حقیقت است که او به نحو دقیقی با متون مقدس یهود و تفاسیر آنها آشنایی داشته است. پیشتر به این نکته اشاره کردم که او با تعدادی از علمای یهود ارتباط داشته که پاره ای از آنان تمام یا دست کم بخشهایی از عهد عتیق عبری را ترجمه کرده بودند و سعد یا گائون یکی از برجسته ترین آنها به شمار می رفته است. مسعودی تصریح می کند که تمامی

اسرائیلیان اشمعث که اکثریت با آنهاست و عنانیان... در مورد ترجمه و تفسیر عربی کتابهای عبری که تورات و کتب انبیا و زبور است و جمعا بیست و چهار کتاب است به گروهی از اسرائیلیان... که ما اکثر آنها را دیده ایم، از جمله ابوسعید بن یعقوب فیومی [سعد یا گائون] اعتماد می کنند.<sup>۲۴</sup>

شایسته ذکر است که ترجمه هایی که توسط علمای یهود ترجمه شده و مسعودی آنها را دیده است تنها ترجمه هایی نیست که او می شناخته است. او ضمن گفتگو درباره پادشاهان یونان می نویسد:

بطلمیوس الکساندروس... همو بود که تورات را برای او ترجمه کردند. این ترجمه به وسیله هفتاد و دو نفر از احبار در اسکندریه مصر از زبان عبرانی به یونانی انجام گرفت. عده ای از متقدمان و متأخران و از جمله حنین ابن اسحاق این نسخه را به عربی ترجمه کرده اند و این نسخه به نظر بیشتر کسان درست ترین متن تورات است.<sup>۲۵</sup>

شرح بلیات و ویرانیها و کشتارهایی که به دفعات بر ملت یهود وارد آمده است، تدارک بدنه استواری از اطلاعات سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی، دینی، و بالاخره فرهنگی مربوط به یهود و میراثهای این قوم، آثار مسعودی را به صورت مرجع چشم ناپوشیدنی برای تاریخ اجتماعی و سیاسی ملل باستانی مشرق درآورده است.

ابوالحسن علی بن حسین مسعودی نه تنها به لحاظ دانش وسیع خود نسبت به تاریخ فریق و حوادث ایام و آموزه دینی و متون مقدس یهودی بلکه به دلیل فقدان هرگونه عصبیت کوردلانه در بررسی میراث یهودی و سنن یهودیگری به نحو علی الاطلاق یکی از منابع درخشان در بیان احوال و اقوام این قوم تاریخی ست.

سالت لیک سیتی، یوتا

پنجم جون ۲۰۰۲

## پانویسها:

- ۱- ابوالحسن علی بن الحسین بن علی بن عبدالله مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. جلد اول، ص ۱.
  - ۲- همان، ص ۳.
  - ۳- عبدالرحمن بن خلدون، مقدمه: ترجمه پروین گنابادی، چاپ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، جلد اول، ص ۵۹.
  - ۴- از میان منابع اسلامی که بر انتساب مسعودی به عبدالله مسعود صحه نهاده اند می توان از ابن ندیم در الفهرست و ابن حزم در جمهرة انساب عرب نام برد. نجاشی در رجال علاوه بر این مطلب مسعودی را از قبيلة هذیل که با قریش از یک ریشه برخاسته بودند می داند و به دنبال نام مسعودی عنوان هذیلی را نیز می آورد.
  - ۵- مسعودی، مروج الذهب، جلد اول، ص ۴۲۶. او در موضع دیگری از مروج به دلتنگی اش به خاطر دوری از زادگاهش اشاره می کند و می نویسد: «حقا ناگوار است که تقدیر مرا از این شهر که در عرصه آن به وجود آمده و در بسط آن چشم به دنیا گشوده ام دور افکنده است. اما این روزگار است که روش آن پراکندگی آوردن است و زمانه است که از لوازم آن دوری افکندن است. مروج، جلد اول، ص ۴۲۷.
  - ۶- آدام متز، رنسانس اسلام، ص ۴۷۰، برنادر لوئیس، اعراب در تاریخ، ص ۹۷.
  - ۷- ه. آ. ر. گیب، تطور تاریخ نگاری در اسلام در تاریخ نگاری در اسلام. ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره، ص ۲۳.
- G. Sarton, *Introduction to History of Science*, vol. 1, p. 698 -۸
- مسعودی در توصیف آن زلزله می نویسد: اما بزرگتر و طولانی تر از این زلزله ندیده ام. زیرا چنان بود که زیر زمین چیزی بزرگ می گذشت و بدان می خورد و آن را می لرزاند و گویی از زمین بزرگتر بود و گویی از آن جدا بود و در فضا فرشی عظیم داشت. دیده شود مسعودی، التنبیه والاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۴۹، چاپ ۱۳۶۵.
- ۹- مرجع شماره ۷، ادبیات جغرافی نگاری و تاریخ نگاری در اسلام، ص ۶۳.
  - ۱۰- دیده شود متن اصلی عربی مروج الذهب، تصحیح و تنقیح شارل بلا، بند ۱۴۰۳-۱۴۰۴.
  - ۱۱- مسعودی، التنبیه والاشراف، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۹۱.
  - ۱۲- مسعودی، مروج الذهب، چاپ شارل بلا، قطعه ۵۷۱، التنبیه ص ۱۰۳/۹۹.
  - ۱۳- التنبیه والاشراف، ص ۳۳۶-۳۳۷.
  - ۱۴- مسعودی، التنبیه والاشراف، ص ۱۰۳/۹۹.
  - ۱۵- مسعودی، مروج الذهب، جلد اول، ص ۳۴۴-۳۴۵.
  - ۱۶- مسعودی، التنبیه، ص ۳۸۱.
  - ۱۷- مسعودی، مروج، جلد اول، ص ۱۷۶.
  - ۱۸- مسعودی، التنبیه، ص ۱۰۵-۱۰۶. برای کسب اطلاعات جامع درباره چگونگی و حدود اطلاعات مسعودی از تاریخ و عقاید ملل و اقوام قدیم دیده شود:

Ahmad Shboul, *Al-Mas'udi and His World: A Muslim Humanis and his Interest in non-Muslims*. Ithaca Press, London 1979.

۱۹- مسعودی، مروج، جلد اول، ص ۴۲.

۲۰- مسعودی، التنبیه، ص ۷۵.

۲۱- مسعودی، مروج، جلد اول، ص ۵۲.

۲۲- مسعودی، مروج، جلد اول، ص ۵۴.

۲۳- کارا دووو معتقد است که این اسمازشما تای آرامی که به معنی سنت شفاهی ست اخذ شده است. برای

مطالعه تفاوت‌های دقیق و مهم بین عنانیه و قرانیم دیده شود:

**Ben Shammai H. Between Ananites and Karaites: Observation on Early Medieval Jews Sectarianism, Nettle 1993, p. 19-29.**

۲۴- مسعودی، التنبیه، ص ۱۰۵.

۲۵- مسعودی، التنبیه، ص ۱۰۵.

